

◀ درس چهارم

در اردوی راهیان نور، ما به زیارت تربت پاک
غیورمردانی می‌رویم که با هجرت و کوچ عاشقانه
خویش، هم با دشمن درون مبارزه کردند و هم با
دشمنان بیرونی جنگیدند.



راهیان نور

نگذارید پیشکسوتان جهاد و شهادت در پیچ و خم زندگی گم شوند.

امام خمینی (ره)

قرآن کریم سه مفهوم مقدس ایمان، هجرت و جهاد را در بسیاری از آیات خود به صورت توأم آورده است. از منظر قرآن و معصومان (ع) انسان با ایمان، خود را وابسته به خدا می‌داند و از هر چیز دیگری وارسته است. او برای تحکیم و نجات ایمان خویش هجرت می‌کند و برای نجات و رستگاری و رهایی از چنگال اهریمن بی‌ایمانی جهاد می‌نماید.

هجرت و جهاد

هجرت به دو گونه است: هجرت صغری و هجرت کبری

هجرت صغری (کوچک): انسان از محلی به محل دیگر برای انجام وظیفه دینی خویش کوچ

می‌کند.

هجرت کبری (بزرگ): انسان از هرگونه پلیدی و گناه دوری می‌کند و به سمت خوبی‌ها

می‌رود.

جهاد نیز به دو گونه است: جهاد اصغر و جهاد اکبر

جهاد اصغر (کوچک‌تر): انسان با دشمن بیرونی (مثل صدام) می‌جنگد تا پیروز شود.

جهاد اکبر (بزرگ‌تر): انسان با دشمن درون نبرد می‌کند تا به تقوی و رستگاری نزدیک شود.

اردوی راهیان نور هجرتی صغری است که می‌تواند ما را به هجرت کبری برساند. زیرا ما به زیارت

تربت پاک غیور مردانی می‌رویم که با هجرت و کوچ عاشقانه خویش، هم با دشمن درون مبارزه کردند

و هم با دشمنان بیرونی جنگیدند و به مفاهیم مقدسی چون شرف، ایمان، جهاد، غیرت، پایداری و ایثار

معنا بخشیدند.

از کدام سو آمده‌ای؟ از شرق یا غرب؟ از شمال یا جنوب؟ از هر کجا
آمده‌ای بدان که افق زمین و آسمان و همهٔ وادی‌های جنون و شیفتگی و
عشق همین جاست.

جایی که آسمان با همهٔ جبروتش، خاک را بوسه می‌زند؛ چرا که این
صحرا در حریر سکوت، نه چندان دور، افتخار تحمل گام‌های رادمردانی
را داشته است که چشمه‌های جوشان عشق را از بلندای روح بی‌قرار
خویش بر آن جاری و از زلال معرفت جان‌هایشان کام تشنهٔ این صحرا را
سیراب ساخته‌اند.

اردوی راهیان نور چیست؟

در اردوهای راهیان نور؛ هر ساله کاروان‌هایی برای آشنا شدن یا تجدید بیعت و دیدار با حماسهٔ
بزرگ دفاع مقدس راهی دیار نور در جنوب و غرب کشور می‌شوند.



تصویر ۱-۴- اردوی راهیان نور، زمینه‌ای برای انتقال ارزش‌های دوران دفاع مقدس به نسل جوان امروز

تبیین آثار حضور همهٔ اقشار مردم در جبهه‌های حق علیه باطل و مشاهدهٔ آثار و فداکاری‌های رزمندگان اسلام بخشی از برنامه‌های اردوی راهیان نور است.

اکنون اردوهای راهیان نور به یکی از منابع عظیم تولید معنویت، بازشناسی هویت اسلامی ایرانی و فرصتی برای خودسازی انقلابی نسل امروز تبدیل شده است. این اردوها پیوند ارزشی بین نسل جوان دوران دفاع مقدس، با نسل جوان امروز را تحکیم می‌بخشد.

سال‌ها از زمان جنگ تحمیلی صدام علیه ایران می‌گذرد. جنگی که فقط برای رزمندگان و مردم ساکن در مناطق جنگی نبود. آن جنگ در زندگی همهٔ مردم ایران تأثیر گذاشته بود. نبردی گسترده و همه‌جانبه که عزت و شرف ما در گرو آن بود.

فعالیت

جنايات صدام و مزدورانش در شهرها و روستاهای مناطق جنگی را بررسی کنید.

دستاوردهای اردوی راهیان نور

حضور در اردوهای راهیان نور دستاوردهای زیر را برای ما به ارمغان می‌آورد:

۱- آشناسدن با بندگان برگزیدهٔ خدا



تصویر ۲-۴- حضور دانش‌آموزان در اردوی راهیان نور - یادمان شهدای هویزه

- ۲- آشنا شدن با آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی
- ۳- آشنایی نسل جوان با بخشی از تاریخ انقلاب اسلامی
- ۴- آشنایی با رشادتها و دلاوری‌های رزمندگان اسلام در مقابله با دشمن
- ۵- دشمن‌شناسی و شناخت جنایات استکبار جهانی علیه ملت ایران
- ۶- تقویت روحیه جهادی و رشد معنویت

پوشش

شرکت در اردوی راهیان نور چگونه می‌تواند در تقویت روحیه جهادی و رشد معنویت ما تأثیر داشته باشد؟

.....

.....

.....

معرفی برخی از یادمان‌ها و اماکن مهم راهیان نور (الف) مناطق عملیاتی جنوب (خوزستان)

خرمشهر: خرمشهر از اولین مناطقی است که مورد حمله ارتش بعثی قرار گرفت. جوانان مقاوم سرزمین ما از جمله محمد جهان‌آرا (فرمانده شهید سپاه پاسداران خرمشهر) ۳۴ روز در مقابل ارتش مجهز دشمن ایستادگی کردند. صدام در طول ۵۷۸ روز اشغال این شهر، آن را به عنوان الگوی پیروزی خود در جنگ مطرح می‌کرد، اما در عملیات بیت المقدس این شهر آزاد شد و بار دیگر پرچم مقدس کشورمان بر گلدسته‌های مسجد جامع خرمشهر به اهتزاز درآمد. امام خمینی در این باره فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

مسجد جامع، موزه جنگ و گلزار شهدای خرمشهر از اماکن بازدیدی راهیان نور در این شهر است.

خرمشهر دروازه‌ای در زمین دارد و دروازه‌ای دیگر در آسمان و تو در جست‌وجوی دروازه‌آسمانی شهر هستی که به کربلا باز شده است و جز مردترین مردان را به آن راه نداده‌اند! جنگ برپا شده بود تا از خرمشهر دروازه‌ای به کربلا باز شود ...

سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی



تصویر ۳-۴- شهید سید مرتضی آوینی

شلمچه: منطقه‌ای مرزی در غرب خرمشهر و نزدیک‌ترین نقطهٔ مرزی به شهر بصره در عراق است. شلمچه یکی از مهم‌ترین مناطق عملیاتی در طول هشت سال دفاع مقدس است که عملیات‌های بیت‌المقدس، رمضان، کربلای ۴، ۵، ۸ و بیت‌المقدس ۷ در این محور صورت گرفته است. عملیات کربلای ۵ از سخت‌ترین عملیات‌های دفاع مقدس است که طی آن مردان بزرگی چون شهیدان حسین خرازی، یداله کلهر، عباس دقایقی و میثمی و ... از این منطقه آسمانی شدند. در یادمان زیبای این محور که توسط آستان قدس رضوی احداث شده ۸ شهید گلگون کفن مدفون هستند.

من این سرزمین را یک سرزمین مقدس می‌دانم. این جا نقطه‌ای است که ملائکهٔ الهی که شاهد فداکاری مخلصانهٔ این شهدای عزیز بودند، به این جا تبرک می‌جویند. این جا متعلق به هر کسی است که دلش برای اسلام و قرآن می‌تپد.

از سخنرانی مقام معظم رهبری در شلمچه ۱۳۷۸/۷/۸

اروند: یکی از بزرگ‌ترین رودخانه‌های جهان است که از به‌هم‌پیوستن دجله و فرات در عراق و اتصال رود کارون در خرمشهر به آن تشکیل می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای صدام تسلط کامل بر این آبراه مهم و حیاتی بود. در طول دفاع مقدس علاوه بر جنگ همیشگی در این منطقه حساس، عملیات والفجر ۸ در این محور انجام شد که طی آن رزمندگان عزیز ما با عبور از اروند، در یک جنگ تمام‌عیار به منظور تنبیه متجاوزان وارد خاک عراق شدند و شهر فاو عراق را تصرف کردند. نام اروند با نام غواص‌های رزمنده ما عجین شده و مظلومانه‌ترین شهادت‌ها، شهادت غواص‌ها در آب‌های اروند بود؛ زیرا دفاع در آب بسیار سخت است.



تصویر ۴-۴- یادمان اروند در منطقه عملیاتی والفجر ۸

بنای یادبود شهدای عملیات والفجر ۸ روبه‌روی شهر فاو، چهار شهید گمنام غواص را در خود جای داده است.

طلائیه: این منطقه در جنوب غربی دشت آزادگان و روبه‌روی جزایر مجنون قرار دارد. منطقه

طلائیه از روزهای اول جنگ مورد تاخت و تاز متجاوزان بعثی عراق قرار گرفت. سه راه شهادت به دلیل فرود بیش از ۸۰۰ هزار گلوله توپ، خمپاره، بمب و تانک دشمن بر سر فرزندان ایران توسط رزمندگان نام‌گذاری شد. عملیات خیبر و بدر در این محور عملیاتی متجاوزان را با شکست سختی مواجه کرد. این منطقه شاهد شهادت مردان بزرگی چون شهیدان محمدابراهیم همت و حمید باکری است.

هوئیزه: این شهر در شمال غربی خوزستان و جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. در زمان اشغال این شهر در اوایل جنگ (مهرماه ۱۳۵۹)، مقاومت دانش‌آموز شهیده سهام خیام، دختر نوجوان اهل هوئیزه در برابر بعثی‌ها باعث خروش مردم شهر و ایستادگی آنها در برابر دشمن شد. در همان زمان عده‌ای از دانشجویان پیرو خط امام به فرماندهی شهید سید حسین علم‌الهدی در کنار مردم این شهر حماسه مقاومت را معنی بخشیدند.



تصویر ۴-۵- شهید سید حسین علم‌الهدی

هوئیزه که کاملاً به دست متجاوزان تخریب شده بود، در هجدهم اردیبهشت سال ۱۳۶۱ طی عملیات بیت‌المقدس آزاد شد.

دوکوهه: پادگانی در چهارکیلومتری شمال غربی شهر اندیمشک است. از بهمن ماه سال ۱۳۶۰ مقر اصلی تیپ (سپس لشکر ۲۷) محمدرسول‌الله شد که فرماندهی آن با جاویدالاندر

حاج احمد متوسلیان بود. همچنین لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) در همین پادگان تشکیل و راه اندازی شد. از حسینیه معروف دوکوهه هنوز بوی عطر یاران امام حسین (ع) به مشام می رسد. صدای شهید همت و مردانی آسمانی همچون متوسلیان، شهبازی، چراغی، کریمی، دستواره، موحد دانش و بسیاری دیگر که در این پادگان می زیسته اند، انسان را به سوی خویش می خواند. در طرفین حسینیه چهار شهید گمنام آرمیده اند که زیارتگاه زائران سرزمین نور می باشند.

به زحمت جارو را از دستش گرفتم. داشت محوطه را آب و جارو می کرد. کار هر روز صبحش بود. ناراحت شد و گفت: بذار خودم جارو کنم. این جوری بدی های درونم هم جارو میشن!
 «یکی از همزمان سردار شهید حاج محمد ابراهیم همت»



تصویر ۶-۴- شهید همت فرمانده لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص)

ب) مناطق عملیاتی غرب

مهران: این شهر از توابع استان ایلام در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی شهر ایلام است که با عراق هم مرز می باشد. قبل از آغاز رسمی جنگ، مهران به علت موقعیت خاص و ممتازش، بارها مورد طمع و تجاوز بعثی ها قرار گرفته بود. استقرار در ارتفاعات کله قندی در شمال مهران به دلیل احاطه کامل بر منطقه اهمیت فراوان داشت، لذا متجاوزان در طول دفاع مقدس، مهران را چهار بار به اشغال خود درآوردند که در هر بار با عملیات قهرمانانه رزمندگان جان برکف ما از جنگال آنان رهاسازی شد.

این شهر مذهبی و مرزی میعادگاه زائران امام حسین (ع) است.

گیلان غرب: این شهرستان از توابع استان کرمانشاه (در جنوب استان) است و در روزهای اول جنگ تحمیلی مثل بسیاری از مناطق عملیاتی مورد تاخت و تاز وحشیانهٔ بعضی‌ها قرار گرفت اما مردم قهرمان آن به ارتفاعات شهر پناه بردند و با آب و غذای اندک و سلاح‌های قدیمی نه تنها مقاومت کردند، بلکه بعضی‌ها را فراری دادند و تا پایان جنگ حسرت اشغال گیلان غرب بر دل صدامیان ماند. گیلان غرب؛ در طول جنگ ۸۴ بار بمباران هوایی شد که در نتیجهٔ آن ۱۴۷ شهید و ۷۱۶ مجروح تقدیم انقلاب کرد؛ اما مردم این شهر علی‌رغم این حملات به زندگی عادی خود ادامه دادند و تسلیم نشدند. **بانه:** در استان کردستان، واقع در مرز غربی ایران و در فاصلهٔ ۲۷۰ کیلومتری سنندج (مرکز استان) قرار دارد. این شهر در دو دوره جنگ را تجربه کرده است: در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی به دست ضد انقلاب افتاد و اوضاع نابسامانی داشت. در همان زمان شهید صیاد شیرازی نقش مؤثری در آزادسازی بانه از چنگال ضدانقلاب وابسته به بیگانگان داشت. همچنین در طول دفاع مقدس شهیدان فراوانی تقدیم اسلام کرد. در میان روزهای سخت بانه، ۱۵ خرداد سال ۱۳۶۳ روز دیگری است. در آن روز مردم برای راهپیمایی پانزدهم خرداد به خیابان‌ها آمده بودند که توسط هواپیماهای عراقی بمباران شدند.

تنگهٔ چهارزبر مشهور به تنگهٔ مرصاد: نام عملیات مرصاد و تنگهٔ چهارزبر از سال ۱۳۶۷ بعد از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ بر سر زبان‌ها افتاد. منافقین وطن فروش که در عراق مستقر بودند، با حمایت کامل صدام و اربابانشان قصد داشتند تهران را در پنج روز فتح کنند. لذا از مرزهای غربی وارد کشور شدند و به علت این که نیروهای نظامی ما پس از پذیرش قطعنامه منطقه را ترک کرده بودند، توانستند تا اسلام آباد غرب پیش بیایند. آنان در مسیر راه از هیچ جنایتی کوتاهی نکردند و علاوه بر کشتار مردم عادی و بی‌سلاح، در بیمارستان اسلام آباد تمام نیروهای رزمندهٔ مجروح و بستری را به شهادت رساندند. در این تنگه سپاه اسلام با نقش‌آفرینی شهید صیاد شیرازی بر منافقین کوردل تاختند و با به هلاکت رساندن بیش از ۱۵۰۰ نفر از آنان و زخمی کردن بیش از ۱۰۰۰ نفر دیگر، بازمانده‌های خائن منافق را به سمت خاک عراق فراری دادند.

منافقین سال‌ها بعد (سال ۱۳۷۸) با تروری ناجوانمردانه عقده‌گشایی کردند و در لباس مأمور شهرداری امیر سپهبد علی صیاد شیرازی را به آرزوی دیرینه‌اش که شهادت در راه خدا بود، رساندند.



تصویر ۷-۴- شهید علی صیاد شیرازی

ساعت ۵ به پایگاه رفتیم. همه را آماده و مهیا برای توجیه دیدیم. پس از توجیه خلبانان تأکید کردم وضعیت خیلی اضطراری است چاره‌ای نداریم هلی‌کوپترهای کبری باید آماده باشند. یک تیم آتش آماده شد ابتدا خودم با یک هلی‌کوپتر ۲۱۴ برای شناسایی دقیق و هماهنگی به سمت مواضع حرکت کردم و به این ترتیب اولین عملیات را علیه نیروهای مهاجم و منافق آغاز کردیم.

صبح روز پنجم مرداد عملیات مرصاد با رمز یاعلی آغاز شد. در تنگه چهار زبر چنان جهنمی برای یاران صدام برپا شد که زمانی برای پشیمانی نمانده بود. جاده به زودی انباشته از ادوات سوخته شد. همزمان با عملیات هوانیروز، علاوه بر گروه‌های مردمی، تعدادی از لشکرهای سپاه نیز که از جنوب به غرب آمده بودند، وارد عملیات شدند. راه از هر سو به روی بازماندگان کاروان بسته شده بود و آنان به سختی می‌توانستند به عقب برگردند.^۱

۱- کتاب در کمین گل سرخ روایتی از زندگی شهید صیاد شیرازی. ص ۳۵۹

آداب و مراقبت‌های لازم در اردوی راهیان نور: به منظور بهره‌برداری مطلوب از اردوی راهیان نور، رعایت موارد زیر توصیه می‌شود.

۱- آداب سفر و زیارت: قرائت دعا، خداحافظی و اذن از والدین و عزیزان، دادن صدقه، مطالعه درباره مسیر راه و شهرها و استان‌هایی که به آن سفر می‌کنیم. داشتن اخلاق خوش در ایام سفر، رعایت بهداشت و نظافت و ...

۲- نماز اول وقت: پیامبر (ص) فرمودند: اولین چیزی که برای بنده خدا محاسبه می‌شود، نماز است.

۳- مرور و دقت در آثار، وصیت‌نامه‌ها و خاطرات شهیدان و رزمندگان اسلام
۴- حضور با وضو در مزار شهدا و قتلگاه آنان: که حتی برخی از زائران به مصداق آیه ۱۲ سوره طه که می‌فرماید: «فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی» کفش‌ها و جوراب خویش را درمی‌آورند و پابرهنه طی طریق می‌کنند.

۵- خاطره‌نگاری: خاطره‌نویسی و تصویر برداری از این اماکن مقدس برای فراموش نشدن این سفر مناسب خواهد بود.



تصویر ۸-۴- یک رزمنده بسیجی در حال نوشتن نامه

◀ درس پنجم

نام دختر آخرین پیامبر خدا فاطمه (س)
است که در لغت عرب به معنای بریدن، قطع کردن
و جدا شدن آمده است. از پیامبر خدا نقل است که
فرمود: «او فاطمه نامیده شد، چون خود و شیعیان
او از آتش دوزخ بریده‌اند».



اسوه‌های صبر و مقاومت

یکی از خصلت‌های انسان‌های بزرگ در طول تاریخ، حق‌طلبی آنها در برابر باطل و صبر و بردباری در مقابل مشکلات بوده است.

آنها با آگاهی کامل از راهی که انتخاب کرده بودند، دشواری‌ها و سختی‌ها را تحمل نمودند، ولی حاضر نشدند از اصول و آرمان‌های خود دست بردارند.

حضرت فاطمه (س) یکی از نمونه‌های شایسته یک انسان کامل است که در این درس گوشه‌هایی از خصلت‌های ممتاز ایشان را برای بهره برداری از چشمه زلال معرفت این بانوی بزرگوار به شما دانش‌آموزان عزیز معرفی می‌کنیم.

پارهٔ تن رسول گرامی اسلام

حاصل ازدواج رسول گرامی اسلام با حضرت خدیجه چند فرزند بود، که همگی در سنین کودکی تا نوجوانی و جوانی از دنیا رفتند، و حضرت فاطمه (س) تنها فرزند رسول خدا (ص) بود که برای ایشان باقی ماند.



تصویر ۱-۵- مسجد النبی (ص) در شهر مدینه

دربارهٔ زمان تولد دختر گرامی رسول خدا اتفاق نظر وجود ندارد. به همین دلیل در برخی روایات زمان تولد ایشان ۵ سال پیش از بعثت و در برخی روایات دیگر زمان تولد ایشان ۵ سال پس از بعثت ذکر شده است.

سال تولد آن حضرت را هر چه که بدانیم، مهم این است که او دختر پیامبر اسلام، نمونهٔ کامل زن تربیت شده در دامن اسلام و برخوردار از اخلاق عالی و اسلامی است. آنچه که ما باید از زندگانی حضرت فاطمه (س) بیاموزیم، تقوا و پرهیزگاری، صبر و بردباری، فضایل اخلاقی، ایمان کامل به خدا و دیگر خصلت‌های عالی انسانی است که آن حضرت نمونهٔ کامل همهٔ این موارد است.

زهره، صدیقه، طاهره، مرضیه، مبارکه و ... از جمله لقب‌های ایشان است، که در میان این لقب‌ها، «زهره» از شهرت بیشتری برخوردار است.

«زهره» به معنای درخشنده و روشن می‌باشد که از هر جهت برازندهٔ این بانوی بزرگوار است، زیرا او چهرهٔ درخشان زن مسلمان، فروغ تابان معرفت و نمونهٔ روشن خداپرستی و صبر و بردباری در راه خداست.

نام ایشان فاطمه (س) است که در لغت عرب به معنای بریدن، قطع کردن و جدا شدن آمده است. از پیامبر خدا نقل است که فرمود: «او فاطمه نامیده شد، چون خود و شیعیان او از آتش دوزخ بریده‌اند».

حضرت فاطمه (س) از جانب پدر بزرگوارش «اُمّ ابیها» به معنای «مادر پدر» خطاب شد، زیرا پس از فوت حضرت خدیجه، آن حضرت برای پدرش هم دختر بود و هم نقش مادر را انجام می‌داد. با وجود آن‌که افراد زیادی علاقه‌مند به ازدواج با حضرت فاطمه (س) بودند اما تنها کسی که مورد رضایت ایشان و پیامبر گرامی اسلام قرار گرفت، امام علی (ع) بود؛ زیرا بنا به فرمودهٔ پیامبر خاتم (ص): «کسی جز علی (ع) شایستگی همسری فاطمه را نداشت».

زهره حضرت علی (ع) که بنا بر برخی روایات، در آن روزگار حدود ۴۰۰ درهم ارزش داشت، به‌عنوان مهریهٔ حضرت فاطمه (س) تعیین شد. مراسم پیوند این دو انسان بزرگ در کمال سادگی برگزار شد و پیامبر خدا در حق این زوج دعا کردند که:

«خدایا این پیوند را بر این زن و شوهر مبارک گردان. خدایا فرزندان خوبی نصیب آنان فرما». زندگی حضرت زهره در خانهٔ همسر نمونه است، چون خود او نمونه است، چون همسر او، پدر او و فرزندان او نمونه‌اند. نمونهٔ مسلمانانی آراسته به فضایل اخلاقی، انسان‌هایی که از میان مردم برمی‌خیزند

و با مردم زندگی می‌کنند. انسان‌هایی که درد مردم را می‌دانند، و می‌کوشند تا با رفتار و کردار خود یاور و درمان‌بخش آنها باشند.

حاصل ازدواج حضرت فاطمه (س) با امام علی (ع) چهار فرزند است که در دامان پاک آن دو بزرگوار پرورش یافتند: امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، حضرت زینب کبری (س) و حضرت زینب صغری (ام کلثوم).

هرچند آخرین پیامبر خدا فرزند پسری نداشت، اما خواست پروردگار این بود که یازده امام شیعیان از نسل پاک امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) هدایتگر مردم باشند. نسل پاکی که با ظهور تنها بازمانده آن یعنی حضرت حجت‌بن‌الحسن (عج)، جهان از عدالت، صلح و دوستی بهره‌مند خواهد شد. زندگی مشترک زن و مرد اگر در مسیر بندگی خدا باشد، عبادت محسوب می‌شود، اما حضرت فاطمه (س) علاوه بر آن که در زندگی مشترک با امام علی (ع) همسری نمونه بود، در اطاعت از پروردگار نیز یکی از بندگان نمونه و صالح پروردگار بود.

هنگامی که از کارهای خانه فارغ می‌شد، به نماز و دعا در پیشگاه خداوند می‌پرداخت. از امام حسن (ع) نقل شده است که فرمود: «مادرم شب‌های جمعه تا بامداد در محراب عبادت می‌ایستاد و چون دست به دعا برمی‌داشت، مردان و زنان با ایمان را دعا می‌کرد، اما درباره خود چیزی نمی‌گفت». پیامبر خدا در بازگشت از حجة‌الوداع مردم را جمع کرد و به آنها فرمود: «من دو چیز گران‌بها را نزد شما می‌گذارم، اگر این دو را از دست ندهید، هیچ‌گاه گمراه نخواهید شد. این دو چیز کتاب خدا و اهل بیت من است».

با وجود آن که رسول‌گرامی اسلام بارها تأکید فرموده بود که راه هدایت در پیروی از قرآن کریم و اهل بیت مکرم اوست، اما پس از رحلت پیامبر خاتم‌آنچه نباید بشود، اتفاق افتاد، و حق مسلم امام علی (ع) برای امامت و خلافت مسلمین نادیده گرفته شد، و به پاره‌تن پیامبر خدا بی‌حرمتی شد. رحلت پدر، مظلوم شدن همسر، بی‌حرمتی به آن حضرت و بالاتر از همه دگرگونی‌هایی که در سنت مسلمانان پدید آمد، روح و جسم دختر رسول خدا را سخت آزرده ساخت؛ به نحوی که او را در بستر بیماری انداخت.

او در دوران حیات پر برکتش نمونه‌کامل یک زن مسلمان در عفاف، پاکدامنی، حفظ حجاب و پوشش، رعایت حیا و نجابت و عامل به تمام ارزش‌های دین اسلام بود.

سرانجام بنا بر روایتی ۷۵ روز^۱ و بنا بر روایت دیگری ۹۵ روز^۲ پس از رحلت آخرین پیامبر خدا، حضرت فاطمه (س) به شهادت رسید و دنیای اسلام از وجود با برکت زنی که از جانب پدرش سیده نساء العالمین (سرور زنان دو جهان) لقب گرفته بود، محروم شد.

دختر پیامبر خدا وصیت کرد که او را شبانه غسل دهند و در تاریکی شب به خاک بسپارند. به همین دلیل محل دفن پیکر پاک ایشان برای ما مشخص نیست، اما به احتمال زیاد آن حضرت در یکی از دو مکان قبرستان بقیع یا مسجد النبی به خاک سپرده شده‌اند.



قبرستان بقیع در کنار مسجد النبی (ص)
تصویر ۲-۵- محل خاک سپاری چهار امام معصوم و تعدادی از بزرگان اسلام

در دوران معاصر نیز زنان و دختران فراوانی هستند که شایستگی آن را دارند که به‌عنوان الگو به جوانان ایران زمین معرفی شوند.

زنانی که در دوران رژیم شاه به صف مبارزان پیوستند و زندان و شکنجه و ... را تحمل کردند، اما حاضر نشدند از مسیری که انتخاب کرده بودند، دست بردارند.

زنان و دخترانی که در دوران دفاع مقدس و پس از آن شهادت و جانبازی فرزند، برادر و همسر خود با صبر و بردباری تحمل نمودند تا ایران اسلامی همچنان سربلند و با عزت بماند. در میان این

۱- ۱۳ جمادی الاول سال یازده هجری قمری

۲- ۳ جمادی الثانی سال یازده هجری قمری

زنان نمونه به نام‌هایی همچون مرضیه حدیدچی (دباغ)، سیده زهرا حسینی، شهیده مریم فرهانیان، شهیده نسرین افضل، آمنه وهاب‌زاده، مادران، خواهران، دختران و همسران شهدا و جانبازان می‌توان اشاره کرد. آنها را با اطمینان می‌توان پیروان حضرت فاطمه (س) معرفی کرد که با نمونه قراردادن آن بانوی بزرگوار، راهی را انتخاب کردند که رضایت خداوند را به دنبال داشته باشد.

تحقیق کنید

درباره یکی از زنان نمونه صبر و مقاومت تحقیق کنید و آن را در کلاس معرفی کنید.

در ادامه این درس به معرفی دو نفر از مردان اسوه صبر و مقاومت میهنمان در دوران معاصر می‌پردازیم؛ به این امید که زندگی، خصوصیات اخلاقی و رفتار آنها الگو و نمونه برای آینده‌سازان سرزمین ما باشد.

مردی که با خدا دوست بود

مصطفی چمران در سال ۱۳۱۱ در خیابان پانزده خرداد تهران (محله سرپولک) دیده به جهان



تصویر ۳-۵

گشود. او فرزند حسن چمران ساوجی بود که از روستای چمران ساوه به تهران مهاجرت کرده بود. دوران ابتدایی را در مدرسه انتصاریه (نزدیک پامناز از محلات قدیمی منطقه بازار تهران) و دوران دبیرستان را در مدارس دارالفنون و البرز که از بهترین مدارس ایران در آن زمان بود، گذراند. او در سال ۱۳۳۲ با رتبه ممتاز از دبیرستان البرز فارغ التحصیل شد. مصطفی از پانزده سالگی در درس تفسیر قرآن مرحوم آیت الله طالقانی و درس فلسفه و منطق شهید مطهری شرکت می کرد.

چمران در سال ۱۳۳۶ با رتبه ممتاز از دانشکده فنی دانشگاه تهران در رشته مهندسی الکترونیک فارغ التحصیل شد. و در سال ۱۳۳۷ با استفاده از بورس تحصیلی دانشجویان ممتاز به آمریکا اعزام شد. چمران در آمریکا با همکاری تعدادی از دوستانش برای اولین بار انجمن اسلامی دانشجویان آمریکا را پایه گذاری کرد، که به دلیل این فعالیت ها بورس تحصیلی شاگرد ممتازی وی از سوی رژیم شاه قطع شد. مصطفی چمران تحصیلات خود را در رشته مهندسی برق در دانشگاه تگزاس ادامه داد و سپس با درجه دکتری در رشته فیزیک پلاسما از دانشگاه معتبر برکلی آمریکا فارغ التحصیل شد.

دانشگاه تگزاس آمریکا برای جلب نظر چمران حاضر بود او را به عنوان استاد استخدام کند، اما دکتر چمران این پیشنهاد را قبول نکرد و در مؤسسه پژوهشی معتبر آمریکا به نام بل مشغول به کار شد. با وجود آن که در آنجا حقوق بالایی دریافت می کرد و می توانست مرفه ترین زندگی را داشته باشد، اما همیشه در فکر خدمت به اسلام و مردم کشورش بود.

در سال ۱۳۴۶ چمران به همراه تعدادی از دوستان مؤمن و هم فکرش به مصر رفت و در دوران حکومت جمال عبدالناصر دو سال دوره های جنگ های چریکی را آموزش دید و به عنوان بهترین شاگرد این دوره شناخته شد.

پس از مرگ عبدالناصر در مصر، چمران ابتدا به آمریکا رفت و پس از یک سال اقامت در آمریکا به لبنان رفت و به کمک امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان شتافت.

او در ابتدا سرپرستی فرزندان شیعه لبنان را که پدرانشان به دست رژیم اشغالگر قدس شهید شده بودند، بر عهده گرفت، و همراه با امام موسی صدر برای آنها مدرسه ای تأسیس کرد، و خودش مدیریت آن را بر عهده گرفت.

دکتر مصطفی چمران درباره علت سفرش به لبنان چنین می گوید :

«من در آمریکا زندگی خوشی داشتم و از همه نوع امکانات برخوردار بودم، ولی از همه آنها گذشتم و به جنوب لبنان رفتم تا در میان محرومان زندگی کنم. می خواستم که اگر نمی توانم به این مظلومان کمکی بکنم، لااقل در میانشان باشم، مثل آنها زندگی کنم و درد و غم آنان را در قلب خود ببینم».

چمران نقاش توانایی بود. یکی از نقاشی‌های چمران شمع کوچکی بود که در زمینه‌ای کاملاً سیاه قرار داشت. این شمع کوچک در آن زمینه سیاه، روشنایی کوچکی ایجاد کرده بود. چمران در زیر این نقاشی نوشته بود: «من ممکن است نتوانم تاریکی را از بین ببرم، ولی با همین روشنایی کوچک فرق ظلمت و نور و حق و باطل را نشان می‌دهم، و کسی که به دنبال نور است، این نور هرچقدر کوچک باشد در قلب او بزرگ خواهد بود»^۱.

دکتر چمران در لبنان با «غاده» دختر مسلمان شیعه لبنانی که زندگی مرفهی داشت، آشنا می‌شود و آن دختر با چمران ازدواج می‌کند و حاضر می‌شود در کنار محرومان جنوب لبنان با او زندگی کند. شرح داستان شورانگیز این ازدواج در کتاب «چمران به روایات همسر شهید» به زیبایی بیان شده است.

«مهریه‌ام قرآن کریم بود و تعهد از داماد که مرا در راه تکامل و اهل بیت اسلام هدایت کند. اولین عقد در صورتی بود که عروس چنین مهریه‌ای داشت، یعنی در واقع هیچ وجهی در مهریه‌اش نداشت. برای فامیلم، برای مردم عجیب بود اینها».

دکتر چمران به همراه امام موسی صدر سازمان امل را براساس اصول و اعتقادات اسلامی پایه‌گذاری کرد، تا پرچم اسلام در برابر اشغالگران لبنان برافراشته گردد. با پیروزی انقلاب اسلامی، چمران پس از ۲۱ سال دوری از وطن به ایران بازگشت، و تمام تجربیات علمی و انقلابی خود را در خدمت انقلاب اسلامی قرار داد. او آرام و بی‌صدا ولی فعالانه و خستگی‌ناپذیر به سازندگی پرداخت و همه تلاش خود را صرف تربیت اولین گروه‌های پاسداران انقلاب کرد.

در ابتدای پیروزی انقلاب و در زمانی که گروه‌های ضد انقلاب با کمک بیگانگان قصد ضربه زدن به کشور را داشتند، با فرمان امام خمینی (ره) و در شرایطی که تمامی شهر پاوه به جز مقر نیروهای ارتش و سپاه پاسداران از کنترل نیروهای مدافع انقلاب خارج شده بود، در وضعیتی بسیار سخت با بالگرد

۱- کتاب «چمران به روایت همسر شهید» صفحه ۱۶-۱۵

۲- کتاب «چمران به روایت همسر شهید» صفحه ۲۵

خود را به پناه رسانید و با کمک تعدادی از نیروهای رزمندۀ ارتش و سپاه پاسداران، شهر پناه را آزاد کرد و کردستان عزیز را از خطر حتمی نجات داد.

پس از بازگشت از کردستان، با فرمان امام خمینی (ره) به عنوان وزیر دفاع منصوب شد. با شروع جنگ تحمیلی صدام علیه کشورمان، چمران گروهی از جوانان داوطلب را جمع کرد و ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل داد و با همین رزمندگان برای دفاع از میهن به جنوب کشور رفت. چمران با استفاده از تجربیات علمی و انقلابی خود، به منظور جلوگیری از سقوط شهر اهواز، احداث کانالی به طول ۲۰ کیلومتر و عرض ۱۰۰ متر را طراحی کرد و با استفاده از پمپ‌های آب از رود کارون کانال را پر آب و سپس آب کانال را به سمت تانک‌های دشمن روانه کرد؛ به طوری که نیروهای دشمن مجبور شدند تا چند کیلومتر عقب‌نشینی کنند.

طراحی و احداث این کانال باعث حفظ این شهر از دست دشمنان متجاوز شد. ارتش صدام پس از آن که نتوانست اهواز را به تصرف درآورد، به سمت سوسنگرد حرکت کرد و پس از سه شبانه روز محاصره شهر، تعدادی از نیروهای ارتش صدام به داخل شهر راه یافتند. چمران بار دیگر با تعدادی از نیروهای داوطلب ارتش و سایر رزمندگان به سمت سوسنگرد شتافت و در نبردی حماسی سوسنگرد عزیز را از محاصره و اشغال متجاوزان نجات داد. در نبرد آزاد سازی شهر سوسنگرد، چمران به محاصره دشمن متجاوز درآمد اما او یک تنه با استفاده از ایمان و شجاعت و تجربیات ارزنده خود در برابر آنها مقاومت کرد. وی با جابه‌جایی‌های متعدد از نقاط مختلف به سمت آنها شلیک می‌کرد تا دشمن متوجه تنها بودن او نشود.

در این مبارزه جانانه، از ناحیه پای چپ به شدت زخمی شد و با همان پای زخمی به یک کامیون دشمن حمله کرده و آن را به غنیمت گرفت. پس از آن چمران با کمک رزمندۀ دیگری که خود را به آنجا رسانیده بود، با کامیون دشمن از حلقه محاصره بیرون آمد و خود را به بیمارستان اهواز رساند. چمران با وجود زخمی شدن حاضر نشد اهواز را ترک کند و برای مداوا به تهران بیاید. او در پاسخ به همسرش که دلیل نیامدنش به تهران را می‌پرسد، می‌گوید: «من اگر بروم تهران روحیه بچه‌ها ضعیف می‌شود. اگر نمی‌توانم در خط بجنگم، لااقل این‌جا باشم و در سختی‌هایشان شریک باشم»^۱.

چمران پس از مدت کوتاهی آزادسازی منطقه دهلاویه را طراحی کرد و با کمک تعدادی از رزمندگان موفق به شکست دشمن در این منطقه شد.

۱- کتاب «چمران به روایت همسر شهید» صفحه ۴۲



تصویر ۴-۵- شهید چمران یکی از بندگان برگزیده خدا

در سحرگاه روز ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ ایرج رستمی فرمانده منطقه دهلاویه که یکی از دوستان و همزمان چمران بود، به شهادت رسید.

دکتر چمران با وجود غم و اندوه از دست دادن آن شهید صبح همان روز هم‌رمز دیگرش به نام مقدم پور را انتخاب کرد و با خود به دهلاویه برد تا او را به رزمندگان معرفی کند.

چمران با تک تک رزمندگان دیده بوسی کرد و با ذکر ایمان و شجاعت شهید رستمی گفت: «خدا رستمی را دوست داشت و برد، اگر ما را هم دوست داشته باشد می‌برد».

شهید چمران برای آشنا کردن مقدم پور با منطقه او را به بالای خاکریز می‌برد تا وضعیت منطقه را برایش تشریح کند.

در حین توضیحات شهید چمران برای مقدم پور، چند خمپاره دشمن در اطراف آنها منفجر می‌شود و خمپاره دیگری در کنار چمران و مقدم پور اصابت می‌کند و در اثر انفجار آن خمپاره مقدم پور بلافاصله شهید می‌شود و چمران به سختی مجروح می‌شود. او را سریع در آمبولانس می‌گذارند اما در بین راه ...

سرانجام مسلمان مبارزی که از قلب بیروت ویران شده و قله‌های بلند کوه‌های جبل عامل در

مرزهای فلسطین اشغال شده از خود قهرمانی‌های بسیار به یادگار گذاشته بود، و برای دفاع از میهنش در آزادسازی فراموش نشدنی پاوه، در جلوگیری از سقوط اهواز، در شکستن محاصره سوسنگرد و در ... قدرت ایمان، اراده آهنین، شجاعت، فداکاری و توانمندی فرماندهی خود را بر همگان ثابت کرده بود، در روز ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۰ به شهادت رسید و روح بزرگش در جوار شهدای کربلا آرام گرفت.

امام خمینی (ره) پس از شهادت این مرد بزرگ در پیامی می‌فرماید:
«او در حیات، با نور معرفت و پیوستگی با خدا قدم نهاد و در راه آن به جهاد برخاست و جان خود را تثار کرد. او با سرافرازی زیست، و با سرافرازی شهید شد و به حق رسید».

مردی که با یک دست از نردبان آسمان بالا رفت



تصویر ۵-۵- شهید خرازی در حال نماز و نیایش با پروردگار

حسین خرازی در سال ۱۳۳۶ در اصفهان دیده به جهان گشود. او در طی دوران تحصیل از آموختن اصول و ارزش‌های مذهبی غافل نبود، و در دوران نوجوانی به مطالعه کتاب‌های اسلامی و انقلابی علاقه‌مند شد، و به تدریج با امور سیاسی نیز آشنایی پیدا کرد.

او در سال ۱۳۵۵ موفق به گرفتن دیپلم طبیعی شد و در همان سال به خدمت سربازی رفت. در سال ۱۳۵۷ با فرمان امام خمینی از خدمت سربازی فرار کرد و به مردم انقلابی پیوست.

با پیروزی انقلاب اسلامی تمام توان خود را در راه خدمت به انقلاب گذاشت و در اوج درگیری‌های نیروهای ضدانقلاب با طرفداران انقلاب اسلامی به کردستان رفت و به‌عنوان فرمانده گردان ضربت که از

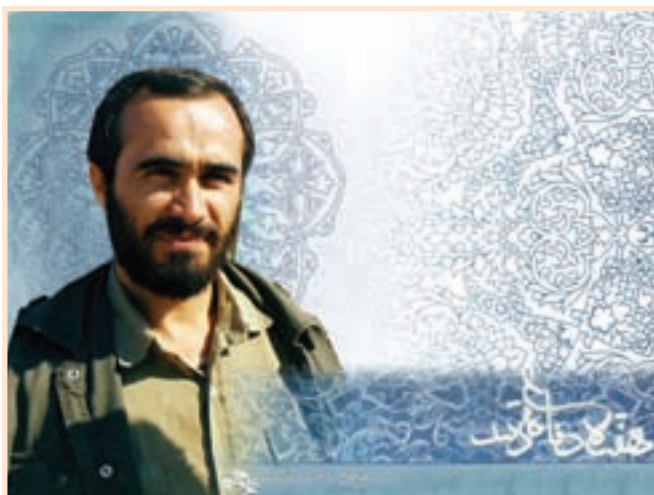
قوی‌ترین گردان‌های آن زمان محسوب می‌شد، وارد عمل شد و در مبارزه با دشمنان مردم و پاکسازی شهرهای دیوان‌دره، سقز، بانه، مریوان و سردشت نقش بسیار مؤثری داشت، و با تدبیر نظامی و ایمان و شجاعت خود، تلفات زیادی به ضد انقلابیون وارد کرد.

با شروع جنگ تحمیلی صدام علیه کشورمان، خرازی به جنوب کشور رفت و به سمت اولین فرمانده خط دفاعی که در مقابل ارتش متجاوز صدام در جاده اهواز - آبادان ایجاد شده بود، منصوب شد. شهید خرازی در عملیات شکستن محاصره آبادان، فرماندهی جبهه دارخوین را برعهده داشت و دو پلی را که نیروهای دشمن بر روی کارون نصب کرده بودند و از این طریق آبادان را محاصره نموده بودند، به تصرف درآورد.

حسین خرازی همراه با نیروهای تحت فرمانش، در آزادسازی شهر بستان بهترین تدبیر نظامی را دور زدن و محاصره کردن دشمن تشخیص داد، و با انجام این کار شکست سختی بر آنها تحمیل کرد.

در عملیات فتح المبین که یکی از بزرگ‌ترین عملیات‌های دوران دفاع مقدس است، اگر شجاعت و تدبیر فرماندهی شهید خرازی نبود، این عملیات با مشکل مواجه می‌شد، اما فرمانده شجاع و با ایمان لشکر امام حسین (ع) به همراه رزمندگان تحت فرمانش با دور زدن دشمن، مشکل به وجود آمده را برطرف کرد و این عملیات با موفقیت کامل انجام شد.

حسین خرازی در عملیات بیت المقدس که منجر به آزادی خرمشهر شد، با عنوان فرمانده لشکر امام حسین (ع) جزء اولین نفراتی بود که به جاده اهواز - خرمشهر رسید، و نقش بسیار زیادی در آزادسازی خرمشهر داشت.



تصویر ۶-۵- شهید حاج حسین خرازی

در عملیات خیبر که در زمستان سال ۱۳۶۲ انجام شد، با وجود بمباران شیمیایی منطقه توسط دشمن، حاضر به عقب‌نشینی نشد، تا این‌که خمپاره‌ای در کنار او به زمین اصابت کرد و او را به گوشه‌ای پرتاب کرد. در اثر این انفجار حسین خرازی به شدت مجروح و دست راست او قطع شد، اما پس از درمان اولیه و بهبود نسبی نزد رزمندگان بازگشت و هرگز حاضر نشد صحنه مبارزه با دشمن و دفاع از کشورش را ترک کند.

در عملیات والفجر ۸ لشکر امام حسین (ع) که تحت فرماندهی حسین خرازی بود، لشکر گارد ارتش صدام را که جزء توانمندترین و مجهزترین نیروهای دشمن بود، شکست داد و پیروزی بزرگی را در این منطقه نصیب سپاه اسلام نمود.

حسین خرازی با وجود آن که یک دستش را در راه دفاع از اسلام و کشورش از دست داده بود، همچنان به هدایت و فرماندهی لشکر امام حسین (ع) ادامه داد و در عملیات کربلای ۵ با عبور از موانع بسیار سخت متجاوزان، شکست سنگین دیگری بر دشمن تحمیل کرد.

شهید حسین خرازی علاوه بر داشتن تدابیر نظامی در سطح عالی، شجاعت کم‌نظیری داشت، و با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات در طول سال‌های جنگ و جهاد، هرگز از خودضعفی نشان نداد. خرازی همیشه با وضو بود و هیچ‌وقت نماز شب او ترک نمی‌شد.

سرانجام حسین خرازی فرمانده لشکر امام حسین (ع) استان اصفهان در روز هشتم اسفند ۱۳۶۵ در عملیات کربلای پنج در منطقه عملیاتی شلمچه با یک دست از نردبان آسمان بالا رفت و به شهدای کربلا پیوست.

فرازی از وصیت‌نامه شهید خرازی: «در عصر غیبت امام
زمان (عج) از مردم می‌خواهم که پشتیبان ولایت فقیه باشند.»

حاج حسین و راننده‌اش هر دو ترکش خورده بودند و هر دو هم
از راه گلو و سینه مجروح شده بودند. همین‌طور خون فواره می‌زد و
سرو سینه‌شان را سرخ می‌کرد.

با سرعت به سمت حاجی رفتیم تا به او کمک کنیم، اما حاجی اجازه نداد و تندتند با سر و دست اشاره می کرد به راننده اش و می گفت: اول اون! اول اون! یکی دو تا از بچه ها بلند شدند و رفتند سراغ راننده. لب های حاجی می جنبید: اون زن و بچه داره، امانته دست من ... بی هوش شد و بعد از آن من دیگر ندیدمش. حسین پرواز کرد».

«یکی از همزمان شهید خرازی»

رهبر معظم انقلاب درباره شهید خرازی می فرمایند:

«او (شهید خرازی) سردار رشید اسلام و پرچم دار جهاد و شهادت بود، که با ذخیره ای از ایمان و تقوی و جهاد و تلاش شبانه روزی برای خدا و نبرد بی امان با دشمنان اسلام، در آسمان شهادت پرواز کرد و بر آستان رحمت الهی فرود آمد و به لقاء الله پیوست».